

آینه‌های روبه‌رو

نامه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برای خانه سینما تکلیف «بچه‌های آسمان» چیست؟ هیات مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان در نامه‌ای با اهالی خانه سینما همراهی کردند در این یادداشت نیستید که به دنبال کلیدی برای باز کردن قفل در خانه سینمایی گردید.

ما، دوستان شما در انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، که خانه دوست است و همیشه در کنار شما دلمان برای کودکان و نوجوانان این سرزمین تپیده، خبر داریم «گلنار» از ده آمده تا روزگار بچه‌هایمان را پر از کلوچه کند، «مجید» از اصفهان آمده تا یگوید چه شکوهی دارد لبخند... و خبر داریم از همه بچه‌های نازنینی که از دریچه دوربین شما به جهان پر تلاطم ما گام نهاده‌اند؛ می‌دانیم «امیرو»، «گریه آوازخون» و «بی‌بی چلچله» در خیابانند، بچه‌های سرزمین ما هنوز هم طنین آسانی و شورآفرین دمام «بشیرو» را که به خاطر خواهرش «هانیه» آسمان پوشهر را به تلاطم آورد از یاد نبرده‌اند و نیز تنهایی جانکه و معصومه «فرهان» کودک «بازمانده» فلسطینی را و اوج ایثار بچه‌های «پیاز» را... بی‌سبب نیست اگر این روزها چشم پیرمردهای «مدرسه پیرمردها» نگران آن خانه است، نگران «خانه دوست» و نگران «خواهران غریب» و نگران «باشو غریبه کوچک» و نگران بچه‌های «مدرسه همت» تا میباد در این سر سیاه زمستان ویلان کوچو و خیابان شوند؛... و حتی نگران «درخت گلایی»، «مدرسه موش‌ها»، «کلاه قرمزی»، «زدرد عروسک‌ها»، «میهمان مامان» و... به راستی از خود پرسیده‌ایم اگر در این خانه بسته بماند، تکلیف «بچه‌های آسمان» چیست؟ و چه کسی «رنگ خدا» را برای بچه‌های ما بر پرده نفرای تفسیر خواهد کرد؟ و در اوج اندوه «یادکنک سفید» به آنها هدیه خواهد داد؟ و در خاموشی جاده‌های سرد، «آواز گنجشک‌ها» را جاری خواهد کرد؟ و در انتهای ناامیدی آنها را به «سفر جادویی» خواهد برد؟ و در شبیخون سرما آغوش مهرمادری، را به روشنان خواهد گشود؟... حالا همه این بچه‌ها اینجا گرد آمده‌اند و معصومه چشم به در بسته این خانه دارند به امید یافتن راه چاره‌ای برای گشودن این قفل و روشن کردن دوباره چراغ این خانه پدری، چرا که نمک‌شناسان می‌دانند این خانه، خانه آفرینندگان آنهاست، خانه پدران و مادران واقعی‌شان که اگر گرم و روشن بماند، محل تولد رویاهایی شیرین‌تر از همه «مرباهای شیرین» دنیا خواهد بود. دوستان شما در سرزمین ادبیات کودک که دل‌شان حتی تاب تعطیلی صفحه روزنامه‌ای را ندارد که به نام کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود، همراه با اهالی این خانه و هم‌صدا با همه هنرمندان دلسوز کشورمان، خواستار یافتن راه‌حلی منصفانه و خردمندانه برای گشودن این قفل و روشن شدن دوباره چراغ خانه سینما هستند.

خبر آخر

آمار فروش واقعی یا غیر واقعی

■ خبرآنلاین: امیرحسین علم‌الهدی کارشناس سینما در یادداشتی با نگاهی به میزان فروش فیلم‌ها در سه سال اخیر نوشت: «کران ۵۲ فیلم، فروش ۲۷ میلیارد تومانی در ۹ ماه سال ۹۰ و حدود ۱۲ میلیون مخاطب، در مقایسه با سال ۸۹ با رقم فروش ۲۶ میلیارد تومانی و ۱۲ میلیون مخاطب و اکران ۶۲ فیلم و مقایسه با سال ۱۳۸۸ با مخاطب ۱۷ میلیون نفری و فروش ۲۳ میلیارد تومانی و اکران ۶۰ فیلم، کرانه این سینما تا این زمان است، به بخش دیگر این یادداشت امد: «در سال ۹۰ سهم تهران از فروش فیلم‌ها ۱۸ میلیارد تومان و سهم شهرستان‌ها ۹ میلیارد تومان است، یعنی از مجموع فروش، سهم تهران ۷۰ درصد و شهرستان‌ها با سهمی ۳۰درصدی محاسبه می‌شوند. شش میلیارد تومان فقط سهم چهار فیلم از مجموع ۵۲ فیلم در شهرستان‌هاست و ۴۸ فیلم دیگر در شهرستان‌ها فقط توانسته‌اند سه میلیارد تومان از فروش سهم ببرند، و اما در تهران این مقیاس حدود هشت میلیارد تومان برای چهار فیلم و ۱۰ میلیارد تومان برای ۲۸ فیلم دیگر بوده است»

او با اشاره به افزایش هزینه‌های تولید، شرایط را در مورد سود و زیان فیلم‌ها چنین بررسی کرد: «گر افزایش ۴۰درصدی هزینه تولید و ۵۰درصدی هزینه آمادسازی و پخش فیلم‌ها را با افزایش بیش از ۲۰۰درصدی هزینه سینماداری جمع کنیم متوجه می‌شویم، هزینه سینمایی ایران حدود ۲۰۰ درصد افزایش داشته است، چنانچه با فروش کف سینمای ایران در سال ۸۹ که پایین‌ترین میزان فروش سه دهه گذشته بوده است (۲۶ میلیارد تومان) سینمای ایران بخواهد به حداقل فروش و هزینه سال ۸۹ دست پیدا کند، باید به فروش ۵۰ میلیارد تومانی (با محاسبه فقط صددرصد افزایش هزینه‌ها نه ۳۰۰ درصد افزایش هزینه‌ها) برسد. اما تنها در این ۹ ماه توانسته‌ایم به فروش ۲۷ میلیارد تومانی دست پیدا کنیم»

علم‌الهدی همچنین در مورد آمار دقیق حضور مخاطبان در سینما نوشت: «پیش‌بینی نهایی برای فروش تا پایان امسال عدد ۳۰ میلیارد تومان است و نهایتا مخاطب ۱۲ میلیون نفری، به این ترتیب هر ایرانی در سال ۹۰ هر ۵/۵ سال سینما رفته است.»

واکنش پنجم



ماهایا پطروسیان

آن چیزی که برای من و اعضای دیگر «خانه سینما» مهم است، «خانه سینما»ست. به هر حال فکر می‌کنم اختلافاتی که بین «خانه سینما» و معاونت امور سینمایی به وجود می‌آید، شاید امر طبیعی است ولی اتفاقی که ما شاهدش بودیم، غیرعادی است. به‌عنوان یک بازیگر از ابتدای شکل گرفتن «خانه سینما» حضور داشتم و در جلسات اولیه‌ای که هنوز «خانه سینما» با نگرفته بود شرکت می‌کردم تا اساسنامه را تنظیم کنند. یادم هست که جمعی از پیشکسوتان به‌عنوان هیات اما هم دور هم جمع شدند. در آن دوران من اوایل کارم بود و خیلی دلبسته بودم، چون همان‌طور که می‌دانید

قبل از انقلاب صنف سینماگران حقوق مدنی نداشتند و بیمه و تضمینی در کارشان نبود و هیچ ارزش و احترامی برای صنف ما قابل نمی‌شدند. ولی «خانه سینما» همه اینها را به وجود آورد. می‌دانم که هم‌صنفی‌هایم تا چه حد وابسته به «خانه سینما» هستند و «خانه سینما» را خانه دوم خودمان می‌دانیم. شاید در سال دو یا سه بار بیشتر به «خانه سینما» نرویم ولی این حس وابستگی و تعلق خاطر به جایی که حرفه ما به آن وابسته است، وجود دارد. بعد از اتفاقی که رخ داده، در تمامی هم‌صنفی‌هایم، همکاران و دوستان سینماگر شاهد یک ناراحتی هستم که اضطراب، سرخوردگی و احساس ناامنی ایجاد کرده است. شخصا در این چند روز تمرکز لازم را ندارم که حتی یک کتاب بخوانم یا فیلم ببینم و همه فکر و ذکر من متوجه این قضیه شده است. خیلی برای من عجیب است در شرایطی که صحبت از این می‌شود که سینماگران فیلم‌هایی بسازند که

دل همه را به دست آوردند؟

دعوت ۷۱ فیلم بلند به جشنواره فجر



عکس: مهیمن حسینی، شرق

بالفصله نسبت به اسامی حاضر در بخش سودای سیمرخ واکنش نشان دادند. حمید نعمت‌الله چنین گفته بود: «بستر است اداره نظارت و ارزشیابی شفاف‌سازی کند و خودش پاسخگوی غیبت برخی فیلم‌ها که مشکل نظارتی دارند باشد.» کاهانی از حذف یک شخصیت و حدود ۲۲ مورد اصلاحات در فیلم «بی‌خود و بی‌جهت» خبر داد. البته این گفته از طرف مدیرکل نظارت و ارزشیابی چنین پاسخ داده شد: «چنین چیزی امکان ندارد که وقتی فیلمی ساخته شد، بگوییم یک شخصیت باید کملا حذف اجتماعی کم است. حضور مستندی از «رخشان بنی‌اعتماد» با مدروزی بر خلاصه فیلم‌ها به این از زیبایی رسیده که تعداد فیلم‌های عنوان کهریزک البته از ویژگی‌های مثبت بخش جدیدی است که رهاگذاری شده بخشی که در همان ابتدا با واکنش نه چندان مثبت انجمن‌های صنفی مستند روبه‌رو شده است.

اعتراس داور و کارگردان

حمید نعمت‌الله و عبدالرضا کاهانی یکی در مقام عضو هیات انتخاب و دیگری در مقام کارگردان اولین کسانی بودند که

اصلاحاتی که ما بر فیلم‌ها اعمال می‌کنیم، براساس آن چیزی است که در آیین‌نامه آمده، نه بیشتر، در واقع در آیین‌نامه آمده که کلمات دور از شأن، استفاده از دخائبات و غیره در فیلم‌ها باید تعدیل شود.»وی ادامه داد: «در میان فیلم‌هایی که دیده شده و فیلم موارد اصلاحی بیشتری نسبت به سایر فیلم‌ها داشته و امکان دارد تنها این دو فیلم به دلیل اصلاحات زیادشان به جشنواره نرسند. همچنین یکسری از فیلم‌ها به دلیل آنکه نسخه نهایی آن تحویل دفتر جشنواره نشده، رایشان پروانه نمایش موقت صادر خواهد شد، چرا که صدور پروانه نمایش دایم منوط به مشاهده فیلم به صورت کامل است.»سجادپور در پاسخ به هر یک از سوالات مجری برنامه درباره فیلم‌هایی که در بالا نام برده شد، اظهار کرد: اصلاحات «آمین خواهیم گفت» ایلاخ شده است. برای «خرس» نیز پروانه نمایش موقت صادر می‌شود تا بازخوردها در

جشنواره مشاهده کنیم. «پریان» هم اصلاحیه‌های زیادی دارد که به صاحبان فیلم ابلاغ شده و به نظر می‌رسد این فیلم به جشنواره

می‌کنند، بتوانند به حرفه‌شان رسیدگی کنند. عملا کارهایی را انجام می‌دهند، که نه دوست دارند و نه علاقه‌ای به آن دارند. من فکر نمی‌کنم هیچ فیلم‌نامه‌نویسی علاقه‌مند به این باشد که کارهای سیاسی کند، نامه‌نگاری کند، دادگاه برود. کسانی که واقعا علاقه‌مند به سینمای ایران باشند با پیشینه‌ای که به‌سختی به دست آورده و همه هم می‌دانیم جایی نیست که ما انتظارش را داشتیم و باید در مرتبه بالاتری قرار می‌گرفت ولی همین که هست یکی از مطرح‌ترین عناصر فرهنگی کشورمان در همه جای دنیاست که حاصل تلاش ۳۰ساله دست‌اندرکاران سینماست در آستانه برگزاری جشنواره فجر همه در اضطراب و نگرانی هستند، درحالی‌که جشنواره هیچ جشنی برای خانواده سینمای ایران است. فکر می‌کنم الان روزهایی است که کمتر کسی فکر می‌کند وارد جشنی شده یا روزهای شادی را بخواهد سپری کند.

سی‌ام نرسد، همچنین «پنهان» هم هیچ مشکل نظارتی ندارد و تنها برای حضور در بخش مسابقه رای لازم را نیاورد. «وی در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا امکان دارد در ترکیب فیلم‌های بخش مسابقه تغییر ایجاد شود، تصریح کرد: «خیر. تردید دارم که چنین اتفاقی بیفتد، چراکه دبیر جشنواره فیلم‌ها را اعلام کرده و معاون سینمایی نیز آنها را تایید کرده است.» هرچند بعد از ۲۴ ساعت اسامی این فیلم‌ها تغییر کرد و آثار دیگری به بخش سودای سیمرخ و در بخش جنبی اضافه شد.

حاضر و غایب

در این روزها که به آغاز جشنواره مانده است در سایت‌های گوناگون نظرسنجی‌هایی انجام می‌شود که علاقه‌مند به دیدن کدام فیلم‌ها هستید که نام فیلم «فازنجی‌بوش» یا دیوش مهرجویی در اولویت قرار گرفته است. هرچند امسال او قدیمی‌تر ترین کارگردان جشنواره است و بقیه آثار سینمایی را نسل بعدی تولید کرده‌اند. خبری از ماه‌های معمول در سینما هم نیست. به طوری که مسعود کیمیایی که پارسال برای اولین‌بار توانست مورد توجه جشنواره فیلم فجر قرار گیرد، فیلمی ندارد.

تایید و تکذیبا

مجری‌گری عادل فردوسی‌پور در مراسم اختتامیه اول مطرح و بعد تکذیب شد. فیلم «یک روز دیگر» که جزو بخش مسابقه ایران است در همان روز اول از طرف کارگردان «حسن فتحی» اعلام شد که فیلم به جشنواره نمی‌رسد. از طرف دیگر خیال برخی کارگردانان مثل «علیرضا داوودنژاد» نیز راحت شده است و او درباره «کلاس هنرپیشگی» به فارس اعلام کرده: «چرا باید در کارم شتاب کنم تا اثرم خراب شود؟ من ترجیح می‌دهم با آرامش، کار را به پایان برسانم. تقریبا ۵۰درصداز فیلمبرداری کار انجام شده و به دلیل اینکه دیدن عجله برای رسیدن به جشنواره ندارم، جداکثر تا دو هفته آینده فیلمبرداری تمام می‌شود.»

یک قطعه برای پیانو

بی‌بی‌سی: یک قطعه برای پیانو اثر یوهانس براس که حدود ۱۶۰ سال پیش نوشته و به تازگی پیدا شده قرار است برای نخستین بار از رادیو بی‌بی‌سی پخش شود. این اثر را که تنها دو دقیقه است، کریستوفر هاگوود، رهبر ارکستر بریتانیایی در حین تحقیق روی تعدادی دست‌نوشته در آمریکا یافته است.

سایه بحران مالی بر سر اسکار موسیقی

اشاره کرد. به ادعای کارشناسان و منتقدان موسیقی، هنرمندان لاتین‌تبار آنچنان که باید و شاید منسجم عمل نکرده‌اند و هنوز اعتراض‌هایشان از سوی مدیران آکادمی جدی گرفته نشده است، البته کار اعتراض به همین‌جا ختم نشد و معترضان با استخدام وکیل و تنظیم لایوچی به دادگاه ایالتی نیویورک واکنش خود را رسمی‌تر کردند. قرار است این اعتراض حقوقی در دادگاه ایالتی کالیفرنیا و در شهر لس‌آنجلس نیز به جریان افتد. موسیقیدانان سبک‌های دیگر از جمله رپ، ار اند بی، پاپ و کانتری تاکنون به این تصمیم آکادمی واکنشی نشان نداده‌اند و شاید به دلیل روابط مطلوبشان با مسوولان بانوعی محافظه‌کاری که با درآمد سرشارشان در ارتباط است، صدايي از آنان شنیده نمی‌شود. نیل پارت، نو دبیر آکادمی نیز از این سکوت استقبال می‌کند و با اشاره به تعداد اندک موسیقیدانان جاز لاتین در فهرست آکادمی تصمیم حذف جایزه جاز لاتین را اقدامی کاملا صحیح می‌داند! سرشارشان در ارتباط است، صدايي از آنان شنیده نمی‌شود. نیل پارت، نو دبیر آکادمی نیز از این سکوت استقبال می‌کند و با اشاره به تعداد اندک موسیقیدانان جاز لاتین در فهرست آکادمی تصمیم حذف جایزه جاز لاتین را اقدامی کاملا صحیح می‌داند! هر چند بحران مالی بر اسکار موسیقی تاثیر گذاشته، با این حال برندگان این جوایز روز ۱۲ فوریه (۲۲ بهمن) جایزه خود را که یک گرامفون طلایی کوچک است، دریافت خواهند کرد. در فهرست نامزدهای گرمی پنجاه و چهارم که اخیرا منتشر شد، نام خواننده بریتانیایی آدل (Adele) در شش رشته ترانه رنکر شده است.

پرویز براتی: بحران مالی سایه خود را بر فاز پنجاه و چهارمین دوره جایزه «گرمی» معروف به «اسکار موسیقی» گسترانده است. آکادمی علوم و هنرهای صوتی آمریکا که برگزارکننده اصلی مراسم اهدای جوایز گرمی (Grammy) در آمریکاست، اعلام کرد به دلیل شرایط سخت مالی و محدودیت در بودجه، چند ردیف از جوایز خود را حذف کرده است؛ از جمله جایزه ادبیات جهان نام برده شده است. کارلا خلس در بخشی از این دیدبانه می‌نویسد: «شاهنامه نه تنها یک گوهر درخشان ادبی، بلکه گنجینه‌ای از افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی است که از فرهنگ این سرزمین جداشدنی است.» این شاعر اسپانیایی همچنین در بخشی دیگر، مقایسه شاهنامه فردوسی با ایلیاد هومر، شاعر حماسه‌سرای یونان باستان را نادرست دانسته، اظهار می‌افزاید: «با وجود برخی شباهت‌ها میان این دو اثر، هیچ یک از الهه‌های ایلیاد در عظمت، به پای رستم، پهلوان اصلی شاهنامه نمی‌رسد. رستم، پهلوانی است که در چارچوب‌های اخلاقی حرکت می‌کند و با وجود وفاداری به دربار، حتی گاهی علیه اقدامات نادرست پادشاه سر به شورش برمی‌دارد.» کارلا خلس شاعر، مترجم و پژوهشگر اسپانیایی در نوامبر ۱۹۴۰ در بارلسون اسپانیا زاده شد.



در حالی‌که کمتر از ۲۴ ساعت به اهدای دو جایزه مهم سینمایی جهان یعنی گلدن گلاب و یفتا باقی مانده است، اصغر فرهادی و جدایی‌ناذر از سیمین که کاندیدای هر دو این جایزه‌ها هستند جایزه بهترین فیلم خارجی‌را از مراسم منتقدان ۲۰۱۱ گرفت. به گزارش کافه سینما دایان گرگر، بازیگر فیلم «بی‌آبروهای لعنتی» تارانتینو که برای اهدای جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان به صحنه آمده بود؛ با بیان اینکه بسیار مفتخرم‌که جایزه بهترین فیلم خارجی زبان را اهدا می‌کنم، جایزه را به جدایی‌داد. فرهادی بعد از دریافت جایزه گفت: «مفتخرم که جایزه منتقدان را دریافت کرده‌ام، دارم تلاشم را می‌کنم که حرف‌هایم را بگویم اما انگلیسی‌من خیلی خوب نیست، فکر می‌کنم تفاوت‌های میان مردم دنیا و فرهنگ‌های مختلف خیلی مهم نیست بلکه این شباهت‌های میان آنهاست که بیشتر اهمیت دارد. این جایزه مرا خیلی خوشحال کرد. این فیلم جایزه منتقدان کانادا را هم روز جمعه گرفت.



کمتر از یک ماه پیش نقاشی‌ای از امیلی بروته، یکی از سه خواهر رمان‌نویس قرن نوزدهمی انگلیس، به قیمت ۲۳ هزار و ۸۳۶ پوند به فروش رسید، اما به تازگی اعلام شد پرتره رنگ و روغن دیگری از این نویسنده کلاسیک به حراج می‌رود. در این پرتره، امیلی جین بروته به تصویر کشیده شده و در قسمت پایین آن مطالبی نامشخص نوشته شده‌اند. این نقاشی توسط «جی. پی. هومبرت» در حراجی «توسستر» به معرض فروش گذاشته می‌شود. به گزارش نورفیتون کرون، این در حالی است‌که پیدا شدن دو پرتره از این نویسنده کلاسیک در یک ماه، شک کارشناسان آثار هنری را برانگیخته است. تاریخ‌دانان هنری در حال بررسی اصل بودن این اثر نقاشی هستند. پیش‌بینی می‌شود این پرتره که قرار است ۳۳ فوریه به حراج گذاشته شود، بین سه‌هزار تا چهارهزار پوند به فروش برسد.

برداشت آخر

ادب‌و هنر

کلبه کوچکمن

تابوت پراز شراب (۱۱۷)

اردشیر خرمنکوب

■ شآن شریف این شاعر بزرگ، آنجا رخ می‌نماید که انسان‌های درستکار صف دشمن و خانه دشمن را نیز به نیکی و نیکبانی می‌ستاید. در بخش اساطیری شاهنامه، تورانیان، دشمن پایدار و همیشگی ایرانیان‌اند اما این دشمنی، هرگز باعث نمی‌شود که شاعر فهمیم ما، خوین تورانی را خوب ببینید. در ترسیم حیا و پاکدامنی منیزه، می‌سراید

منیزه منم دخت افراسیاب

برهنه ندیده تنم آفتاب

و یا دشمن خونی ایرانیان، افراسیاب، برادری دارد به نام «پیران ویسه». این شخصیت، که درست همیای خویان ایرانی، از درستی و اعتماد و نیکرایی برخوردار است، در شاهنامه به نیکی ستوده می‌شود.

اینکه من تلاش کردم برای قرآن چهارهی بیارایم، از این روی بود که ای بسا یک نفر با مطالعه چند آیه در قرآن، به غوغای قیامت و عذاب الهی پای نهد و چهره قرآن را عبوس و ترش بیابد. و یا با ورود به آیات بهشتی، آن را سرشار از شادمانی و سرور ببیند. چهره قرآن، در عالی‌ترین وجه تمثیلی، همان چهره خود انسان است، که گاه با مواجهه با رزشتنی‌ها و زشتکارهی‌ها، روی در هم می‌کشد، و با فروشن به نیکی‌ها و درستی‌ها، متبسم می‌شود و چهره می‌گشاید. چهره میله قرآن اما به آموزگاران می‌ماند. که داشته‌ها و محکمت‌ها خود را با دقت و ظرافت به یک یک مخاطبان‌شان می‌آموزند.

شخصا از این که نوشته‌های قرآنی‌ام با خطرات کلبه کوچک می‌آمیزد، راضی نیستم. هفتشتنی‌با مردی چون زمین‌دوست، مرا می‌آزارد. یکی دو بار تصمیم می‌گیرم کلید چراغ را بزنم و به نگهبانان بگویم که مرا به همان کلبه کوچک پیشنیم بازگرداند. آشنایی با پزشک سیاه‌پوست، با آن خصوصیات اخلاقی و فهمی که با او بوده، رونقی به بساط روحی من افکند. اما این روزها، تنخواهی ازآزادهنده مرد زمین‌دوست، رونم را می‌خراند. او، فضای روحی کلبه را به نفع خودش مصادره کرده است. مرد جوان و زمین‌دوست، همدیگر را درک می‌کنند. مرا با این دو اما، و به‌ویژه با مرد زمین‌دوست هیچ مناسبتی نیست. دیشب، سرش را پیش آورد و گفت: دکتر خرمکوب، اگر اعتقاد تو به مسلمانی است، اعتقاد من به زمین است. این درست که من زمین‌های خود را می‌فروشم و پول به پول خود اضافه می‌کنم، اما هم‌زمان زمین‌های دیگری برای خود دست‌و‌پای می‌کنم. من خودم یک با امریک سوسیومس، کریستف کلیم، آنها قارها را کشف می‌کردند، من به قطعات کوچک‌تر دلخوشم. زمین برای من، همان مسلمانی برای توست. من زمین را دوست دارم. حتی اگر مردایی باشد.

به او می‌گویم: در اعتقاد من، آسیب رساندن به مردم و تخریب چهره قلوبن، کار درستی نیست. اگر همه بخواهند مثل شما باشند، روز همه چیز به هم می‌ریزد. کسی به کسی اعتماد نمی‌کند. ریزریز می‌خندد و دست به پشت من می‌زند و می‌گوید:

یکی اینکه هر کسی نمی‌تواند مثل من بشود. چرا که من یک متخصص (Professional) هستم. مردم به گرد پای من هم نمی‌رسند. دو اینکه در اعتقاد زمینی من، قانون برای کودکان‌ها و احمق‌هاست. برای آن‌ها که به یک رفت‌وآمد معمولی دلخوش‌اند. قانون من می‌گوید: سهم خودت را پیش‌پیش از بدن بوفالو برسرار. پیش از آنکه مجبور شوی در انتهای صف احمق‌ها بایستی! مرد زمین‌دوست، مستقیم و غیرمستقیم، مرا به همان صف قبایی می‌فرستد. صفی که در آن احمق‌ها ایستاده‌اند. در جوان، عقیده و رفتار زمین‌دوست‌را می‌پسندد. می‌گوید: حالا که قرار است همگی، بعیریم، چه بهتر که تابوت‌مان بر از شراب باشد.

ادامه دارد

اتفاق

محمد یعقوبی:

به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کنم
■ فارس: محمد یعقوبی کارگردان نمایش «خشکسالی و دروغ» گفت: برای دو اجرا شدن «خشکسالی و دروغ» دو مرتبه نامه به معاون امور هنری داده‌ام اما هنوز جوابی دریافت نکردم. در ادامه این روند به دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور شکایت می‌کنم، هرچند معتقدم باید با گفت‌وگو مشکلات را حل کرد. او در گفت‌وگو با فارس با بیان اینکه بیش از دو هفته است که مشکلات نمایشی ما برطرف شده و همین‌طور از اجرای عمومی «خشکسالی و دروغ» می‌گذرد، اگر پیش از توقیف موارد از اعلام می‌کردند، ما آن را رعایت می‌کردیم بنابراین نیازی به توقیف نبود، گفته: «به هر حال اشتباهی را مسوولان مرتکب شدند و حال که مشکلات مدنظرشان برطرف شده است، اجرای «خشکسالی و دروغ» ادامه پیدا کرده، یعنی اینکه وقتی کار ما سر گرفته می‌شود، مشکلی نداشته است که ما ادامه می‌دهیم. اینکه چرا به ما دو اجرایی دهند، برای گروه ما و تماشاگران غیرمطلق است. گروه ما دو مرتبه نامه به دفتر آمار شاه‌پادی و دشت‌گلی به منظور آمدگی برای دو اجرا رفتن، ارسال کرده است. دومین نامه‌ام را با شماره ۹۰۴۳۵۲۱ که در دبیرخانه ثبت شده برای شاه‌پادی ارسال کردم. در این نامه متذکر شدیم که آمدگی دو اجرا شدن را داریم و اینکه کبی فروش روزانه را بپوست این نامه کردیم. بنابراین گفتیم، بابت روزهای توقیف‌شده و دواجرای نرفتن در روز، ضررهای مالی را گروه ما متحمل شده و می‌شود. یعقوبی ادامه داد: همین‌طور از اجرای عمومی «خشکسالی و دروغ» می‌گذرد و خسارت وارد به نمایش تاروز ارسال نامه به معاونت هنری ۵۰ میلیون تومان بوده است و همین‌طور ادامه دارد.